

پاسخ نامه تجارت

سوال 41 

1. بررسی تعداد طلبکاران حاضر:

ماده ۴۸۰ مقرر می دارد: «لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها» باید شرکت کنند.

نصف طلبکاران: $9 \div 2 = 4.5 \rightarrow$ گرد می کنیم $\rightarrow 5$ نفر

نصف به علاوه یک نفر: $5 + 1 = 6$ نفر

حاصل: 5 نفر حضور دارند که کمتر از 6 نفر لازم است.
شرط تعداد رعایت نشده است. 

2. بررسی مقدار مطالبات حاضر:

حد نصاب مطالبات: «لااقل سه ربع از کلیه مطالبات»

سه ربع مطالبات: $90 = 3/4 \times 120$ میلیون تومان

مطالبات حاضر: 85 میلیون تومان

حاصل: کمتر از 90 میلیون  شرط مقدار مطالبات رعایت نشده است.

3. نتیجه:

از آنجا که هر دو شرط ماده ۴۸۰ رعایت نشده، قرارداد ارفاقی بلااثر است.

پاسخ صحیح: 4) بلااثر به دلیل هر دو مورد

مستند: ماده ۴۸۰ قانون تجارت: «قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالبات [...] در آن قرارداد شرکت نموده باشند و الا بلااثر خواهد بود.»

سوال 42 

1. طبق ماده ۴۸۴ قانون تجارت:

اگر تاجر به ورشکستگی به تقصیر محکوم شود، انعقاد قرارداد ارفاقی اصولاً ممکن است (برخلاف ورشکستگی به تقلب که ممنوع است).

اما اگر تعقیب کیفری او آغاز شده باشد، طلبکاران می‌توانند تصمیم در مورد قرارداد ارفاقی را تا زمان روشن شدن نتیجه تعقیب، به تأخیر بیندازند.

2. در فرض مسأله:

محکومیت به ورشکستگی به تقصیر → امکان انعقاد قرارداد وجود دارد.

شروع تعقیب → طلبکاران حق دارند تا پایان نتیجه تعقیب، تصمیم‌گیری را به تأخیر اندازند.

نتیجه: گزینه 3 صحیح است. 

مستند: ماده ۴۸۴ قانون تجارت. 

سوال 43 

1. مهلت اعتراض:

ماده ۴۸۵ ق.ت: اعتراض باید ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود.

2. در فرض مسأله:

طلبکار دو هفته بعد اعتراض کرده → مهلت قانونی گذشته است.

حتی اگر دلیل اعتراض «موجه» (مثل تبانی) باشد، قانون به صراحت گفته است خارج از یک هفته،

اعتراض از درجه اعتبار ساقط است.

3. ابلاغ:

اعتراض باید به مدیر تصفیه و خود تاجر ابلاغ شود (همانطور که در فرض آمده). پس این شرط رعایت شده است.

نتیجه:  گزینه 2 صحیح است.

مستند:  ماده ۴۸۵ قانون تجارت.

سوال 44 

قاعده کلی: ماده ۴۹۰ ق.ت می گوید: «پس از تصدیق

قرارداد ارفاقی، دعوای بطلان نسبت به آن قبول نمی‌شود.»

2. استثنا: «مگر اینکه پس از تصدیق، مکشوف شود که در میزان دارایی یا مقدار قروض حيله به کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.»

سوال 45 

1. قاعده ماده 495:

اگر اجرای تمام یا بخشی از قرارداد را ضامن تعهد کرده باشد، طلبکاران می‌توانند اجرای همان بخش را از ضامن مطالبه کنند.

نسبت به بخشی که ضامن ندارد، در صورت عدم اجرای آن، آن قسمت از قرارداد فسخ می‌شود.

در صورت تعدد ضامن → مسئولیت آن‌ها تضامنی است.

2. در فرض مسأله:

بخش اول (۵۰ میلیون) دارای ضامن است → طلبکاران می‌توانند آن را از «ب» مطالبه کنند.

بخش دوم (۳۰ میلیون) بدون ضامن است → در این قسمت قرارداد فسخ خواهد شد.

سوال 46 

1. قاعده ماده ۵۰۰ ق.ت:

معاملات تاجر ورشکسته در فاصله تصدیق قرارداد ارفاقی تا زمان صدور حکم بطلان یا فسخ، اصولاً باطل

نیست.

استثنا: اگر ثابت شود معامله به قصد اضرار و همچنین مضر به منافع طلبکاران بوده است، در آن صورت معامله باطل خواهد بود.

2. در فرض مسأله:

انتقال ملک به قیمت عادلانه صورت گرفته است → قصد اضرار و ضرر به طلبکاران احراز نمی‌شود.

صرف اینکه معامله در فاصله بین تصدیق و فسخ قرارداد واقع شده، کافی برای بطلان نیست.

سوال 47 

1. قاعده ماده ۵۱۵ ق.ت:

مدیر تصفیه اختیار دارد در هر زمان، با اجازه عضو ناظر، طلب مرتهن (طلبکار دارای وثیقه) را بپردازد و مال مرهونه را آزاد کرده و جزو دارایی عمومی ورشکسته منظور کند.

2. در فرض مسأله:

مرتهن ۲۰۰ میلیون طلب دارد.

مدیر تصفیه اگر این مبلغ را پرداخت کند (با اجازه عضو ناظر)، می‌تواند ملک را از رهن خارج کند.

نیازی به رضایت همه طلبکاران یا دادگاه نیست

سوال 48 

1. قاعده ماده ۵۲۱ ق.ت:

اگر طلبکار دارای حق عینی (مثل رهن بر اموال غیرمنقول) به دلیل تقدم طلبکاران دیگر چیزی دریافت نکند، باقی مانده طلب او جزو غرما محسوب می شود. یعنی همانند سایر طلبکاران بدون وثیقه، در تقسیم دارایی عمومی ورشکسته شریک خواهد شد.

2. در فرض مسأله:

ملک ۱۲۰ میلیون ارزش دارد.

طلبکار «ج» در رتبه مقدم است و کل ۱۲۰ میلیون را می گیرد.

طلبکار «ب» هیچ چیز از ملک دریافت نمی کند.

بنابراین طلب ۱۰۰ میلیونی «ب» به غرما می پیوندد.

1. قاعده ماده ۵۲۴ ق.ت:

هنگام تقسیم وجه، برای طلبکاران مقیم خارج به نسبت طلب آنها در صورت دارایی و قروض باید سهمی موضوع شود.

اگر صحت طلب هنوز قطعی نشده باشد، باز هم باید مبلغی موضوع (کنار گذاشته) شود تا پس از تصمیم نهایی تکلیف آن روشن گردد.

حتی عضو ناظر اختیار دارد در صورت درج نادرست، سهم موضوعی را افزایش دهد.

2. در فرض مسأله:

طلب ۸۰ میلیونی طلبکار خارجی در صورت دارایی

درج شده است، اما قطعی نیست.

بنابراین باید سهم متناسب با او (۸۰ از ۳۲۰ = یک‌چهارم دارایی) کنار گذاشته شود.

یعنی از ۳۰۰ میلیون دارایی → ۷۵ میلیون تومان برای او موضوع می‌شود.

سوال  50

1. قاعده ماده ۵۲۸ ق.ت:

اگر قبل از ورشکستگی، اوراق تجارتي (مثل سفته، برات، چک) به تاجر داده شده باشد که صرفاً برای وصول و نگاهداری به حساب صاحب سند یا برای مصرف معین است، و هنوز وصول/تأدیه نشده و اسناد عیناً نزد تاجر موجود باشد،

در این صورت صاحب سند حق استرداد عین اسناد را دارد.

2. در فرض مسأله:

سفته‌ها قبل از ورشکستگی به «الف» داده شده‌اند.

وظیفه تاجر صرفاً وصول و نگاهداری به حساب «ب» بوده، نه مالکیت.

در زمان ورشکستگی سفته‌ها عیناً موجود است.

بنابراین «ب» حق دارد آن‌ها را مستقیماً پس بگیرد و جزو دارایی ورشکسته محسوب نمی‌شود.

♦ ماده ۵۳۰ قانون تجارت می‌گه:

«مال‌التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.»

حالا در سؤال:

«الف» (ورشکسته) به حساب «ب» خرید کرده.

ثمن هنوز پرداخت نشده.

مال (پارچه‌ها) عیناً موجود است.

✓ پس طبق ماده: تا وقتی ثمن پرداخت نشده،
فروشنده ("ج") حق استرداد دارد.

طبق ماده ۵۳۶ ق.ت:

«حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تعیین شود، قابل اعتراض است.»

یعنی:

اصل حکم ورشکستگی = قابل اعتراض.

تعیین تاریخ توقف قبل از حکم ورشکستگی = قابل اعتراض.

پس هر دو قابل اعتراض اند.

سوال 53 

طبق ماده ۵۳۸ ق.ت:

پس از انقضای مهلت تعیین شده برای تشخیص و

تصدیق مطالبات، هیچ تقاضایی برای تغییر تاریخ
توقف پذیرفته نمی‌شود.

از آن زمان، تاریخ توقف نسبت به طلبکاران قطعی و
غیرقابل تغییر خواهد بود.

در مسئله هم چون مهلت (۲۰ آبان) گذشته و اعتراض
در ۱۵ آذر مطرح شده، دیگر مسموع نیست.

سوال 54 

طبق ماده ۵۴۷ ق.ت:

مدیر تصفیه نه رأساً و نه به طور مطلق، بلکه فقط با
تصویب اکثریت طلبکاران حاضر می‌تواند:

1. تاجر ورشکسته را به عنوان ورشکستگی به تقصیر
تعقیب کند.

2. از طرف هیأت طلبکاران به عنوان مدعی خصوصی
واقع شود.

پس رأی اکثریت طلبکاران حاضر در جلسه شرط است

سوال 55 

طبق ماده ۵۵۵ ق.ت:

اگر مدیر تصفیه در حین تصدی اموال ورشکسته را
حیف و میل کند → به مجازات خیانت در امانت
محکوم می شود.

بنابراین علاوه بر مسئولیت مدنی (جبران خسارت)،
مسئولیت کیفری نیز دارد.



سوال 56

طبق ماده ۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی:

1. مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه، همان دادگاهی است که حکم توقف (ورشکستگی) را صادر کرده.

2. قاعده: شکایت مانع جریان کار اداره تصفیه نیست.

3. استثناء: در موارد مهم که عمل اداره تصفیه جبران‌ناپذیر باشد و ادله شاکی قوی باشد → دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری بدهد.

4. دادگاه مکلف است فوراً و خارج از نوبت رسیدگی کند و در صورت مواجه بودن شکایت حتی می‌تواند عمل اداره تصفیه را باطل نماید

سوال 57

طبق ماده ۱۳ ق.ا.ت.ا.و:

همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد و رونوشت آن به اداره تصفیه رسید → اداره باید فوراً صورت اموال ورشکسته را بردارد.

همچنین اقدامات لازم مثل مهر و موم برای حفظ اموال را انجام دهد.

بنابراین تأخیر ۲۰ روزه اداره تخلف محسوب می شود و موجب تضییع حقوق طلبکاران خواهد بود.

سوال 58

طبق ماده ۱۴ ق.ا.ت.ا.و:

1. اصل تکلیف: تاجر ورشکسته مکلف است اموال و دفاتر خود را به اداره تصفیه معرفی و تحویل دهد.

2. استثناء: اگر ورشکسته فوت کرده یا فراری باشد، این تکلیف متوجه ورثه، شرکا، خدمه، متصدیان امور و هر شخصی است که در اموال تصرف یا دخالت دارد.

3. ضمانت اجرا: در صورت امتناع → حبس تأدیبی از ۳ تا ۶ ماه.

سوال 59 

طبق ماده ۱۶ ق.ا.ت.ا.و:

1. اموال مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته باقی می ماند (یعنی نمی توان آن ها را از او گرفت).

2. با این حال، این اموال باید جزء صورت اموال ورشکسته قید شوند تا شفافیت برای طلبکاران وجود داشته باشد.

3. بنابراین مدیر تصفیه حق فروش آن‌ها ندارد، اما موظف است در صورت اموال آن‌ها را ذکر کند.

سوال 60

طبق ماده ۲۲ ق.ا.ت.ا.و:

1. اگر ورشکسته هیچ مستثنیات دینی نداشته باشد، این موضوع آگهی می‌شود.

2. طلبکاران ۱۰ روز فرصت دارند که درخواست اجرای اصول ورشکستگی را ارائه و هزینه آن را بپردازند.

3. در صورت عدم اقدام طلبکاران جریان ورشکستگی خاتمه می‌یابد و ادامه عملیات ورشکستگی متوقف می‌شود.